

ویژه نامه نقد نمایش «قبل از شروع با من حرف بزن»

منتقدان: سید رضا هاشمی زاده. راضیه ذاکری. علیرضا زارعی



کانون منتقدان تئاتر
استان هرمزگان



آغاز فعالیت نمایشی از سال ۱۳۸۸
نویسنده، کارگردان

سرپرست گروه تئاتر جولاسک
دارای مدرک کارشناسی کارگردانی
کارشناسی ارشد کارگردانی

حضور در جشنواره های متعدد منطقه ای و ملی

نمایش قبل از شروع حرف بزن

نویسنده و کارگردان: مصیب داوری

گروه تئاتر جولاسک-رودان
زمان: ۶۰ دقیقه

بازیگران: حسن ذاکری، سام تدین،
لیلا غلامی، رضا جوذری،
نسبیه جمشیدی شاهرودی

دستیار کارگردان: میلاد صفایی
طراح صحنه و لباس: موسی عامری پور
منشی صحنه: ریحانه جعفری
دستیار صحنه: گلنسا گلپور

موسیقی: مارال تقی نژاد، بهار انصاریان،
صفدر برقی، بابک کریمی، علی درویشی
خلاصه نمایش: بدالله در مخابراتی کار می کند
و آن را بیشتر از جانش دوست دارد تا اینکه...



قبل از شروع حرف بزن

نویسنده و کارگردان: مصیب داوری
سه شنبه ۱۸ آبان ساعت ۹ صبح
اجرا، پستو آفتاب
۰۵۴۱۱۱



قبل از شروع حرف بزن

نویسنده و کارگردان: مصیب داوری
سه شنبه ۱۸ آبان ساعت ۹ صبح
اجرا، پستو آفتاب
۰۵۴۱۱۱



کانون منتقدان تئاتر
استان هرمزگان
۱۳۸۸

سه شنبه ۱۸ آبان

ساعت ۹ صبح

نمایش قبل از شروع حرف بزن به نویسندگی و کارگردانی مصیب داوری،

روایتی از مردی ها، نامردی ها، عاشقانگی ها، حسادت ها و گذشت ها و خودبینی هایی است که در هر حادثه بزرگی حتی دفاع از سرزمین می تواند خنجری از پشت باشد. محسن رزمنده ای که در گذرگاه روستایی مسئول رساندن کدها به رزمندگان خط مقدم است با حسد و بغض فرد دیگری که هرچند جامه دوستی پوشیده اما همراهی و همقدمی اش جانانه نیست و تلاش می کند با دسیسه چینی و دستکاری در کدهای مخابراتی، اعتبار محسن را خدشه دارد کند.

روایت نمایش سراسر است و یکدست نیست و در هر صحنه برش های مختلف جابه جا شده ای از سیر ماجرا به مخاطب نشان داده می شود و همین رفت و برگشت های متوالی و پیپای و نوع تعریف کردن قصه سبب شده که تماشاگر در مواردی ارتباط حسی خود را با نقش ها گم کند. اگر مرکز مخابراتی روستایی به مثابه عقبه جبهه و جنگ نماد گذاری شده و نویسنده در پی خیانت هایی بوده که دانسته یا نادانسته سبب شده تا سرنوشت یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ معاصر کشورمان به نقطه عطف مطلوب نرسد این پیام در میان داستان عاشقانه دوزن و رزمنده و مکرگری ها و دسیسه بافی های یدالله نمایش به پختگی کامل نرسیده است.

کدها می تواند هرچیز باشد، حمایت ها، یاری ها، جانفشانی ها، دلیری ها و ایثارهایی که به باور نویسنده و کارگردان بدلیل ستون پنجم و اهمال کاری ها، خط مقدم را آسیب پذیر کرده است. اگر یدالله نمایش بر پایه حسادت و رقابت با محسن بوسیله نقش بازی کردن و توطئه تسویه حساب می کند و دختری را که پی برادر سربازش می گردد و ادار می کند تا کدها را با دستکاری به دست محسن برساند بسیار جای ابهام دارد چرا در انتها ناگاه پس از مواجهه با خطای خود خود را سرزنش می کند و خود را صاحب گوش هایی می داند که بد شنید و بد رساند.

نمایش مصیب داوری به ۱۷۵ غواص شهید و رزمندگانی که با خلوص نیت و صدق دل به جبهه ها رفتند اشاره هایی دارد.

محسن گویی یکی از آنهاست که دست های خود را بهم بسته اند تا راه بازگشتی هم نداشته باشند و به جایی برسند که آنجا همه چیز روشن است.



کدهایی که لابه لای شلوغی ها گم شدند

منتقد: سید رضا هاشمی زاده



مصیب داوری کوشیده از زاویه دید خود روایت ایثارها و عشق ها از یکسو و کم کاری ها و غیظ ورزی ها از جانب دیگر را در مواجهه و کشاکش هم قرار دهد و از دل آن دلاورانی را یاد ما بیندازد که بی چشمداشت به مصاف گلوله ها رفتند و داستان هزار و یکشب عاشقی را با بذل جان نقش زدند اما از پشت هم زخم خوردند. مصیب داوری وفادارانه و متعهدانه نام جمعی از شهدای استان را هم در طول نمایش خود جای داده است که ستودنی است. اما اگر چه اقلیم نمایش روستای مرزی است اما نمادها و استعاره های بومی جنوب در آن از جمله بادگیرهای کاهگلی نوعی تداعی جنوبی بودن جغرافیای روایت است. هرچند هیچ نشانه و رمز دیگری مقوم این برداشت در نمایش چه در لهجه یا لباس و... دیده نمی شود.





نمایش قبل از شروع با من حرف بزن یک اثر نمایشی در ژانر دفاع مقدس است که با پرداخت موضوع ۸ سال جنگ تحمیلی ایران و عراق، با پنج بازیگر در پی بازیشان جنگ و عشق را به مخاطب نشان می دهد.

شرح روایت دراماتیک در این اثر بدین گونه است که یک رزمنده، عشق و روابط احساسی و خانوادگیش را وارد کار خود می کند. مصیب داوری در قامت کارگردان به موضوع دفاع مقدس از زاویه جدیدی نگریسته است، و با وارد کردن فرم به نمایش اش تلاش نموده است علاوه بر حفظ ریتم اثر، نمایش تماشای تری را ارائه کند.

با کد ۱۷۵ که در طول اجرای نمایش از زبان یکی از بازیگران نقل قول می شود ما را هدایت می کند به سمت اتفاق تاریخی شهادت غواصان شهید شلمچه و کربلای ۴... و همین مسئله که مصیب داوری به تکه ای از زندگی آدم‌های واقعی پرداخته است می تواند برای او یک امتیاز باشد.

نمایشنامه قصه داشت ولی چندان فرصت پرداخت به آن داده نشده بود. دیالوگ ها مقدس مآبانه پرتاب می شدند. انتخاب بازیگرها و هدایت شان درست و بجا بود، تا جایی که بازیگر نقش محسن توانسته بود حال و هوای یک شهید قبل از شهادت و سال های جنگ را بخوبی به مخاطب انتقال دهد.

میزانسن های اثر بیشتر به گونه ای ایستا طراحی شده بود. دکور نمایش در نگاه اول جذاب و خیره کننده بود، اما در طول اجرا چندان با فضای کار هماهنگی نداشت و با توجه به ایستایی دکور و از طرف دیر تعویض فضاهای مکرر کار در نوع شیوه کارگردانی، به یکی از آسیب های جدی نمایش تبدیل شده بود. در کارگردانی اثر نوعی سردرگمی در شیوه اجرا مشاهده می شد که باعث شده بود مفهوم نمایش به خوبی توسط مخاطب درک نشود.

تلاش بازیگران در اجرا ستونی و قابل احترام بود، اما احساس می شد که برای رسیدن به پختگی و جا افتادن نقش ها در اجرا به مدت زمان بیشتری برای تمرین نیاز بوده باشد که اثر به پختگی و بلوغ کامل تری برسد. با همه این اوصاف نمایش قبل از شروع حرف بزن از آنجایی که وارد زندگی واقعی انسان ها شده، کاری که کمتر در تئاتر خودمان می بینم ارزشمند است.





نمایش قبل از شروع با من حرف بزن نگاه جدید و متفاوتی نسبت به دیگر آثار مصیب داوری در این دوره از جشنواره سی و سوم تئاتر استان هرمزگان بود. داستان درمانی در یک نقطه از جنوب که برای دفاع آنچه در طبق اخلاص دارند فدیہ می دهند برای وطن و آرمان های انسانی و اسلامی.

باید گفت آنچه در اثر مذکور بیش از هر چیز ملموس به نظر می رسد بهره گیری از یک الگو یا مدیوم در نوشتار است، مدیومی که تنوع کنشگری به واسطه عواطف انسانی و کشمکش های بیرونی را در بر دارد. عموماً نمایش هایی که با حال و هوای دفاع مقدس به طرح موضوع می پردازند دچار کلیشه و روزمره گی هایی در پرداخت هستند، تلاش داوری برای برقراری تعادل در قصه ستودنی است، چرا که او از یکرنگی در پرداخت درام بهره می برد و همین اتفاق نمایش او را نسبت به دیگر آثارش متمایز می سازد. البته قابل ذکر است که بخش هایی از نمایشنامه به طور مستقیم و مستند به خرده موضوعاتی می پردازد که صاحب اثر طبق نقل قول ها و شنیده ها آنها را به خوبی دراماتیزه می کند و در بطن قصه جا می گیرد، متن نمایش هرچند از نظر سوژه و محتوا به دنبال ارائه موضوعی ناب بوده اما در مرحله پرداخت به دلیل همخوان نبودن قالب و محتوا با ضعف هایی ساختاری همراه می شود. از منظر سادگی موضوع آنقدر روان و ساده روایت می شود که مخاطب بدون هیچ تردیدی می پذیرد و با آن همذات پنداری می کند.

اساساً باید گفت که مصیب داوری با بدنه جامعه ای روبه روست که آثار مخرب جنگ را دیده یا شنیده است و این مرثیه بزرگ چنان در بین مردم جامعه با تقدیم شهید تقدس یافته که باید با ظرافت بیشتری به آن نگاه و با بهره گیری از علم معانی و بیان به آن پرداخت، چرا که او به عنوان نویسنده باید نسبت به شرایط موجود و محیط پیرامون خود ملزم به رعایت قوائد باشد، قوائدی که در ساختار درام گاهی در شخصیت پردازی و گاهی در طرح مسئله دچار مشکل است. شخصیت محوری نمایشنامه یعنی محسن آنقدر در بین اعداد و کدها محو می شود که به درستی در پرداخت مهمترین و تاثیرگذارترین مفهوم انسانی یعنی عشق محو می شود. با این وجود نمایش تلاش می کند بر بازی بازیگرانش سر پا بماند.





میزانسن‌ها هرچند از جنس طراحی و نگرش مصیب‌دواری است و مانند دیگر کارهای این کارگردان در دل طراحی صحنه کشف می‌شود، اما در صحنه‌هایی به دلیل فضا سازی کلیشه‌ای، شکل نو و قابل توجهی به خود نمی‌گیرند. اساساً این دکور زیبا که نمودی از آثار نمایشگاهی موسی عامری است کاربرد و کارکردی برای اثر ندارد، غیر از ماسکه کردن بازیگران در بعضی صحنه‌ها و دست و پا گیر بودن آن برای صحنه‌های پر تنش.

من حیث المجموع اثر قابل تاملی است و می‌توان لحظه‌های متمادی برای ترمیم و رفع و رجوع موارد کاستی آن طرح‌ها، ایده‌های نوبه کار بست. در جایگاه یک بازیگر از آنها کشف شود.



نمایش قبل از شروع با من حرف بزن



عکاس: مرتضی استادزاده

